زیرنور صحنه

نگاهی به «خاموشی دریا» نیما دهقان

چشمانی که بهتر از دهان سخن می‌گویند

بهار برهانی

■ «خاموشی دریا» رمانی است که توسط ورکور Vercors (نام مستعار ژان برولر) نویسنده فرانسوی در جنگ جهانی دوم و به صورت مخفیانه منتشر شده است. ورکور در این داستان نشان می‌دهد که چگونه پیرمردی فرانسوی همراه با دختر برادرش مقاومت خود را علیه اشـغال کشورشان با صحبت نکردن با افسـر آلمانی که خانه آنها را اشغال کرده است، بروز می‌دهند.اما در بازخوانی این رمان توسط «رضا گوران» و تبدیل آن به نمایشنامه‌ای که نیما دهقان به روی صحنه برد، یک افسر آلمانی در خانه زوج جوان فرانسـوی اقامت می‌کند. اهل خانه او را در نهایت ادب پذیرایی می‌کنند ولی از گفتن حتی یـک کلمه حرف هم خـودداری می‌کنند. آنها در سـکوت و آرامش زندگی خود را می‌گذرانند و در روزها و شب‌های مختلف سعی فراوان افسر آلمانی در به حـرف آوردن آنها را بی‌نتیجه می‌گذارد و او در سکوت خردکننده زوج فرانسوی مجبور می‌شود کـه خاطراتش را باقی بگذارد و برود.وقتی تصمیم می‌گیریم به تماشای یک نمایش بنشینیم همراهی، همدلی و حتی همذات‌پنداری با اثر با روشن شدن چراغ‌ها یا شـروع یک موسـیقی یا جاری شـدن نخسـتین دیالوگ‌ها شروع نمی‌شـود. گاهی این آغاز با همان اسـم اثر آغاز می‌شود و این نام‌گذاری تلنگری می‌شـود برای تمام ضد و نقیض‌هایی که اساس شکل‌گیری این اثر می‌تواند باشد.«خاموشی دریا» مثل آرامشی پیش از توفان، مثل سکوت‌هایی که پر از ناگفته‌هاسـت و مثل فرانسوی‌های شاعر مسلک و آلمانی‌های خشن و فلسفه‌ساز و...

از همان آغاز، زمانی که تماشـاگران مشـغول نشستن روی صندلی‌هایشان هستند، دو بازیگر در اتاقی تقریبا تاریک، یکی پشت به ما و دیگری سر به زیر آرام و بی‌حرکت هستند. از بیرون اما، صدای شـلوغی و رفت و آمدی شبیه راه رفتن نظامی‌ها در خیابان به گوش می‌رسـد. سـکوت این خانه با مشـت‌هایی که به در کوبیده می‌شوند شکسته و صحنه روشن می‌شود. افسر آلمانی وارد می‌شود و مدام حرف می‌زند و اعلام می‌کند که قرار است کنار آنها زندگی کند و حق دارد از همه مسایل آنها باخبر باشد اما زن و شوهر تصمیم گرفته‌اند حتی زمانی که مرد با حرف‌هایش قصد ورود به حریم خصوصی آنها را دارد هم، حرف نزنند. افسر آلمانی زیاد حرف می‌زند اما آنچنان مخاطب را قدم به قدم با جزییات

رفتار و پیچیدگی‌های درونش همراه می‌کند که باز فاز دیگری از تناقض‌ها را آشکار می‌کند. او اگرچه با خشونت و فریاد و زیاد حرف می‌زند هرگز خشونتی از او سر نمی‌زند و حتی همان‌طور که خودش اشاره می‌کند اهل موسیقی بوده، روح لطیف و شاعرانه‌ای دارد از طـرف دیگـر بازی در سـکوت و عمیق و انعکاس حس دو بازیگر دیگر نمایش با کاراکتر افسر و فضای کلی هارمونی لازم را ایجاد می‌کند و متن و قصه «رضا گوران» را به تصویر می‌کشد. چرا که روایت گوران از خاموشـی دریا نزدیکی چندانی با اصل اثر ندارد و مقایسه این دو در حد این یادداشت نمی‌گنجد.امـا به هر حال هارمونـی که به وجود آمده احسـاس اینکه این اثر یک مونولوگ است را بـه خود و ذهن مخاطب راه نمی‌دهد و حتی ریتم پیش‌برنده‌ای را برای نمایش فراهم می‌کند.

فرامـوش نکنیم کـه جنگ محـور اصلی این داستان است. جنگی که باعث شده افسر نازی که خود را پیروز میدان می‌داند نه تنها قدرت کشـور خود بلکه افکار و جهان‌بینی ملتش را برتر بداند و به این وسیله زن و مرد فرانسوی را تحقیر کند. بارها به آنها یادآوری کند که ترسـو هستند و به خاطر زنده‌ماندن کشورشـان را دو دستی تقدیم دشمن کرده‌اند. سر میز شام زمانی که موسیقی باخ پخش می‌شود به آنها تلقین می‌کند که شما فرانسوی‌ها به باخ آلمانی و آرامشـی که او ذره ذره به وجودتان رسوخ می‌دهد ایمان آورده‌اید و... افکار نیچه را هم بهانه می‌کند برای بحث بیشتر پیرامون نژادپرستی و اعتقاد خودش به خدا و اینکه چقدر زود باورهای مذهبی‌اش شکسـته شـده و از بین رفته. او عمر زیبایی‌های زندگی را کوتاه می‌داند پس باورشـان نمی‌کند. چون در یک شب زیبای زندگی به همراه مادرش انتظار آنها برای آمدن پدر به نتیجه نرسید و پدرش خودش را در رودخانه غرق کرده. این صحنه را من به‌عنوان شاخص‌ترین صحنه نمایش می‌دانم چرا که تاثیرگذاری با تمام اکت‌های افسـر و حتی زن و مـرد صاحبخانه هماهنگی و کنش خاصی را ایجاد کرده بود.خاموشی دریا قصد قضاوت جنگ را نـدارد چرا که در کنار و حاشـیه همه جنگ‌ها ظرافت‌ها و زیبایی‌هایی هست که از صافی ادبیات و هنر زیباتر عبور می‌کند. مطالعه رمان خاموشی دریا را برای درک زیباتر این صحنه‌ها به همه کسـانی که این نمایش را دیده‌اند، پیشنهاد می‌کنم. چراکه همزیستی این شخصیت‌ها، تعلق خاطرها و گره‌های عاطفی‌ای که در همین سکوت‌ها و بین آنها شکل می‌گیرد، بسیار قابل لمس‌تر است.

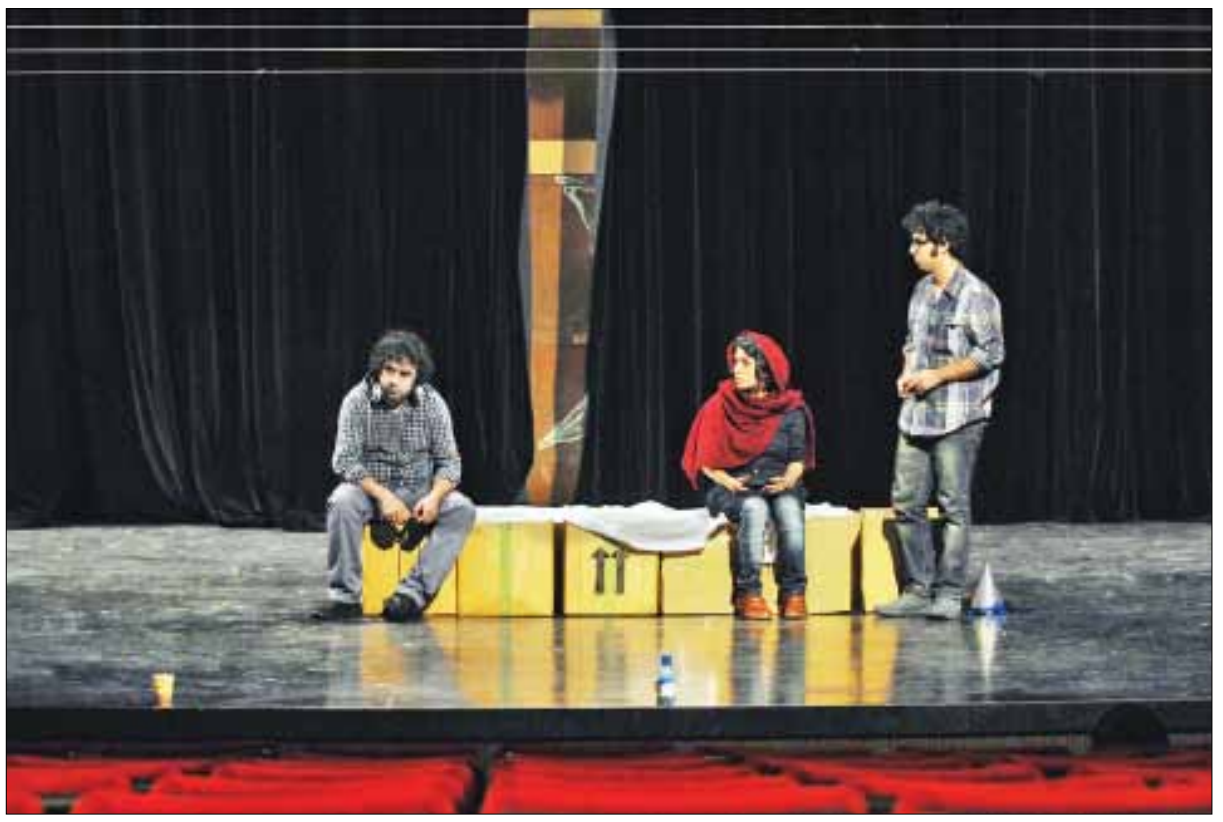

عکس: عباس کوثری، شرق

گزارشی از برگزاری دومین همایش کارگاه‌های متمرکز تئاتر

کسی با ۵ ساعت تئاتری نمی‌شود

کیمیا امینیان: جلال تهرانی دیگر خسـته شده است که مدام به پرسش تکراری «چرا کار نمی‌کنید؟» پاسخ بگوید؛ پرسشی که بعد از اجرای ۱۱شـبه نمایش«هی مـرد گنده گریه نکن» در تالار اصلی تئاترشـهر بارها و بارها به انواع و اقسـام شیوه‌ها از او پرسـیده شده. او حالا ترجیح می‌دهد به جای پاسخ دادن به پرسشـی که در تمام این هفت سـال با آن روبه‌رو بوده، درباره فعالیت‌های پیش روی موسسه نوپایش «مکتب تهران» بگوید؛ موسسـه‌ای که فعلا بیشـترین تمرکز و انرژی او را صرف خود کرده اسـت؛ موسسه‌ای که با برگزاری کارگاه‌های متمرکز تئاتر و انتشار کتاب تلاش می‌کند، راهی برای خود باز کند و حالا این موسسه تازه‌تاسیس، دومین همایش «کارگاه‌های متمرکز» را با نام همایش«پاییز» برپا می‌کند؛ همایشـی که از پنجم آذر آغاز می‌شود و نزدیک به یک ماه ادامه خواهد داشت. آنچه پیش رو دارید، گزارشی است از برگزاری این همایش.

■■■

اولین همایش «مکتب تهران» با نام همایش «مرداد» تابستان امسال برگزار شد؛ همایشی که آغازگر فعالیت‌های کارگاهی این موسسه بود و برای اولین بار نام این موسسه تازه‌تاسیس را مطرح کرد. بچه‌هـای «مکتب تهران» حالا در تدارک برپایی همایش «پاییز»هستند.

حتی با نگاهی گذرا به پوسـتر این همایش، نام‌های آشنای بسـیاری می‌بینید؛ از رده‌های سـنی مختلف که همه نام‌شان بر پوستر قرمزرنگ همایش«پاییز» نقش بسته است، نام‌هایی همچـون عباس جوانمرد، حمید سـمندریان، جعفـر والی در کنار پرویز پورحسـینی، آتیلا پسـیانی، مرضیه برومند، فرهاد مهندس‌پور، رویا تیموریان، ایرج راد، قطب‌الدین صادقی، محمود استادمحمد، فرهاد آییش، سیامک صفری، مریم سعادت، زهرا صبری، سیامک احصایی و... همراه با جوان‌ترهایی مانند حمید امجد، محمد یعقوبی، حمید پورآذری یا هنرمندانی از نسل بعدتر مانند امیررضا کوهستانی، افروز فروزند، محمد میرعلی اکبری، مریم معینی، پیام دهکردی، حسین کیانی و... .

اما تنوع نسل‌ها، تنها تفاوت میان این همایش با همایش اول نیست که جلال تهرانی درباره دیگر تفاوت‌های این دو همایش می‌گوید: «در همایش مرداد، ۲۴۰ ساعت کارگاه طراحی شده بود. در همایش پاییز زمان کارگاه‌ها به ۳۵۶ ساعت رسیده است. همایش مرداد با حضور جوان‌ترها برگزار شد. در همایش پاییز تلاش شـده که نمایندگان شاخص همه نسل‌ها حضور داشته باشـند.» سـپس به موضوع همایش «پاییز» اشاره می‌کند که «شخصیت» است و این یکی دیگر از تفاوت‌های همایش اول و دوم است: «همایش مرداد موضوع متمرکزی نداشت اما موضوع همایش پاییز شـخصیت اسـت. همه کارگاه‌های این همایش حول محور شـخصیت طراحی شده‌اند. البته در همایش پاییز با وجود اینکه موضوع به شخصیت محدود شده است، کارگاه‌ها تنـوع کاملی دارنـد و همایش در تئاتر کودک و نوجوان، عروسکی و موسیقی تئاتـر و دکـور و نـور هـم ورود کرده است.»این همایش شـامل کارگاه‌های گوناگونی اسـت که همـه حول محور شخصیت برپا می‌شوند؛ کارگاه «بازیگر و شخصیت» با حضور هنرمندانی مانند مرضیه برومند، پرویز پورحسینی، رویا تیموریان، ایرج راد، سـیامک صفری و جعفر والی برگزار می‌شود. هر یک از این هنرمندان کارگاه پنج ساعته‌ای را برای هنرجویان برگزار می‌کنند و هنرجویان در مجمـوع کارگاهـی ۲۵سـاعته را می‌گذرانند. اما عباس جوانمرد، حمید سمندریان، فرهاد آییش، فرهاد مهندس‌پور و آتیلا پسیانی هنرمندانی هستند که کارگاه «کارگردان و شخصیت» را برگزار می‌کنند؛ کارگاهی که مشابه کارگاه بازیگری در قالب پنج جلسه پنج ساعته برگزار می‌شود. این کارگاه‌ها مانند بسته‌های آموزشی هستند که هنرجویان با شرکت در آنها تجربیات پنج استاد گوناگون را در مورد موضوع مشخص‌شده، دریافت می‌کنند.

ممکن اسـت فکر کنید با کارگاهی پنج سـاعته نمی‌توان آموزه‌های زیادی به هنرجویان آموزش داد اما اگر جلال تهرانی را بشناسـید و از دقت و وسواس او برای کیفیت کارهایش آگاه باشید، به خوبی می‌دانید جای نگرانی نیست؛ همچنان که او خود در این‌باره می‌گوید: «تمرکز بر یک موضوع خاص در هر همایش، تعداد سـاعت کارگاه‌ها را از پنج سـاعت فراتر می‌برد. از طرفی مساله مکتب تهران یاد دادن نیست. مساله ایجاد محیط تئاتری و بستر رشد است. کسی با پنج ساعت کار تئاتری نمی‌شود؛ با ۵۰ساعت و ۵۰۰ساعت هم نمی‌شود. مهم این است که تجربیات نسل‌های مختلف به اشتراک گذاشته شود. در همین همایش، هنرجویان این امکان را دارند که ده‌ها سـاعت در مورد موضوع شخصیت با انواع کارشناسان با انواع دیدگاه‌ها مواجهه کارگاهی داشته باشـند.» در میان تمام کارگاه‌ها موضوع «شخصیت در نمایشنامه» با بیشترین تعداد اسـتادان برپا می‌شود؛ استادانی همچون محمود استادمحمد، حمید امجد، عبدالحی شماسی، امیررضا کوهستانی، محمد یعقوبی، حسین کیانی، افروز فروزند، محمد میرعلی اکبری، احسان فلاحت‌پیشه و جلال تهرانی ۱۰ استادی هسـتند که این کارگاه را برگزار می‌کنند. استادانی با رده‌های سـنی مختلف و شیوه‌های کاری گوناگون که همه در این کارگاه گرد هم آمده‌اند. در کنار این کارگاه‌ها، پنج هنرمند و استاد دانشگاه هم کارگاه «نقد شخصیت» را برگزار می‌کنند و اینچنین است که قطب‌الدین صادقی، محمدرضا خاکی، مسعود دلخواه، سـعید اسدی و رحمت امینی این بخش از کارگاه‌های همایش «پاییز» را برگزار می‌کنند. «مکتب تهران» برای برگزاری این کارگاه‌ها برنامه‌های طولانی‌مدتی دارد. بچه‌های این موسسه امیدوارند هر فصل بتوانند یک همایش کارگاهی برگزار کنند و کارگاه‌هایشان در حد برنامه‌های مقطعی نباشد.

آیا قرار است این موسسه با برگزاری این کارگاه‌ها هنرجویان ثابتی را برای خودش پیدا کند؟ افرادی که به‌تدریج به سبک و سـیاق مشخصی شناخته شوند؟ این پرسشی است که تهرانی برایش چنین پاسخی دارد: «مکتب تهران در پی ترویج متد یا سبک از پیش‌معلومی نیست. اگر دقت کنید در این همایش‌ها انواع تئاتری‌ها با انواع سـبک‌ها و روش‌ها حضـور دارند. تداوم حضور هنرجویان به آنها این امکان را می‌دهد که به تدریج با همه روش‌های موجود در تئاتر ایران آشـنا شوند و همه دیدگاه‌های مختلف و شـیوه‌های مختلف موجود در تئاتر ایران و چه بسـا جهان را درک کنند و عمیقا بشناسند.» تهرانی به نکته دیگری هم می‌پردازد، موضوعی که به نوعی چشم‌انداز طولانی‌مدت این کارگاه‌ها را نشـان می‌دهد: «ایده‌آل این است که هر یک از این جوان‌ها در عبور از کارگاه‌های نسل‌های قبل از خود، در نهایت شـکل خودشان بشـوند و روش خود را در تئاتر پیدا کنند. در نتیجه همین جوان‌ها بعد از چند سال می‌توانند ایده‌های تئاتری خود را به جوانان نسل‌های بعد از خود به اشتراک بگذارند. این همان کاری اسـت که در این همایش‌ها نسل‌های موجود تئاتر ایران دارند برای جوان‌ترها می‌کنند.»

بخشـی از فعالیت‌های «مکتـب تهران» به چاپ و نشـر کتاب‌های پژوهشی و هنری مربوط می‌شود اما انتشارات «مکتب تهران» در کنار کتاب‌های تئاتری و پژوهشی که برای بزرگسالان منتشر می‌کند، چندین کتاب کودک و نوجوان هم منتشر کرده اسـت. همایش دوم این موسسـه نیز از تئاتر کودک و نوجوان غافل نمانده و گوشه‌چشـمی به این مقوله دارد؛ «شخصیت در تئاتر کودک» عنوان کارگاهی است که هنرمندانی چون محمد عاقبتی، حسین فدایی‌حسین، بهرام جلالی، اکرم قاسم‌پور و فائزه فیض شیخ‌الاسـلام برگزار می‌کنند. در کنار آنها مریم سعادت، عادل بزدوده، زهرا صبری و مریم معینی هم کارگاه «شخصیت در تئاتر عروسـکی» را برپا می‌کنند. بـا توجه به فعالیت این موسسه در انتشـار کتاب‌های تئاتری، ثبت و نگهداری نتایـج این کارگاه‌ها از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، کاری که جهت مکتوب کردن تجربیات نسل‌های مختلف تئاتر ایـران می‌تواند مورد توجـه قرار گیرد. تهرانی امیدوار است این تجربیات توسط هنرجویان شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها ثبت و ضبط شـود: «هنرجویانی که در این کارگاه‌ها شـرکت می‌کنند، کسانی هستند که باید چنین مکتوباتی را تولید کنند. باید بچه‌هایی که توانایی و ظرفیت ثبت آموزه‌های این همایش‌ها را دارند، کم‌کم پیدا شوند. امیدوارم پیدا شوند.»

همه کارگاه‌های این همایش حول محور شخصیت طراحی شده‌اند. البته در همایش پاییز با وجود اینکه موضوع به شخصیت محدود شده است کارگاه‌ها تنوع کاملی دارند و همایش در تئاتر کودک و نوجوان عروسکی و موسیقی تئاتر و دکور و نور هم ورود کرده است

قرار نیسـت در این همایش‌ها آموزه‌های تئوری یا آنچه در کتاب‌های درسی یا منابعی مانند اینترنت به‌راحتی قابل دسترس باشد، به بچه‌ها آموزش داده شود بلکه کارگاه‌های این همایش با این هدف برگزار می‌شـوند که مدرسـان نسل‌های مختلف تجربیات عملی و فردی خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. در این رهگذر این همایش گامی است برای تکمیل آموزه‌های دانشگاهی که می‌کوشد از موازی‌کاری با آموزش‌های دانشگاهی دور باشد. همایش «پاییز» فقط میزبان هنرمندان تئاتر نیست، بلکه پذیرای هنرمندان موسیقی هم هست؛ هنرمندانی که قرار اسـت کارگاه‌های «موسیقی شخصیت» را برگزار کنند؛ احمد پژمان یکی از این هنرمندان اسـت که کارگاهی پنج‌سـاعته را برپا می‌کند و شاهین فرهت و بهزاد عبدی هم دو هنرمند دیگر موسـیقی هسـتند که هر یک کارگاه‌های خود را به طور مجزا برگزار می‌کنند. سیامک احصایی با برگزاری کارگاه «شخصیت دکور» و فرشید مصدق با برپایی کارگاه «شخصیت نور» دیگر استادانی هستند که در این همایش حضور دارند.

گروه تئاترلیو هم با این همایـش همکاری دارند. آنها که در ادامه فعالیت‌هایشان کارگاه‌های مختلفی را برپا می‌کنند، در این همایش هم کارگاه «بازیگری حول محور شـخصیت» را برپـا می‌کنند. اما تنوع کارگاه‌های این همایش همان اندازه که نکته‌ای مثبت به شـمار می‌آید، برای برگزارکنندگان آن مشکلاتی به همراه دارد که مهم‌ترینش مشکل کمبود مکان اسـت. تمام کارگاه‌های همایش «مرداد» در پلاتوی «اوستا» برگزار شده بود. کارگاه‌های فصل اول عموما کارگاه‌های جمع و جوری بود که امکان برگزاری آنها در همان پلاتو میسـر بود اما مکتب تهرانی‌ها برای برگزاری همایش دومشان ناچارند با پلاتوها و مکان‌های بیشتری وارد گفت‌وگو شوند، برای برگزاری کارگاه‌های موسـیقی نیازمند استودیو هستند و برای برپایی کارگاه نـور هم بـه تعدادی پروژکتور نیـاز دارند و این همان مشکلی که جلال تهرانی این‌گونه از آن یاد می‌کند: «عمده‌ترین مشـکل مکتب تهران در حال حاضر مشکلات سخت‌افزاری اسـت. فراهم کردن امکانات لازم برای کارگاه‌های نور و دکور و عروسـکی کار ساده‌ای نیسـت. از آن سخت‌تر دستیابی به پلاتوهای مناسـب و اسـتاندارد برای کارگاه‌های عملی مانند بازیگری و کارگردانی است.»

در کنـار نام‌هـای جدیـدی که به عنـوان اسـتادان این همایش حضور دارند، نام‌هایی هم دیده می‌شـود که بر پوستر همایش «مرداد» نقش شده بودند؛ نام‌هایی مانند حمید پورآذری، پیام دهکردی، حسین مهکام، روزبه حسینی، رضا کوچک‌زاده و... که کارگاه‌های خود را با موضوع «شخصیت» ادامه می‌دهند. البته این به معنای آن نیست که هنرجویان جدید نتوانند در این کارگاه‌ها شرکت کنند بلکه آنها هم می‌توانند در کنار هنرجویان دوره اول ثبت‌نـام کنند و به آنهـا بپیوندند تا به‌تدریج هر یک از این کارگاه‌ها افراد ثابت و شـکل و شـمایل مشخص خود را پیدا کنند. کارگاه‌های مکتب تهران با کمترین شـهریه برگزار می‌شـوند، برای هر ساعت کارگاه شهریه‌ای پنج هزارتومانی در نظر گرفته شده است. تهرانی همزمان با همایش «مرداد» گفته بود تلاش می‌کند شـهریه‌ای را در نظر بگیرد تا هیچ هنرجوی علاقه‌مندی به دلیل هزینه بالای شهریه از شرکت در کارگاه‌ها باز نماند. هر چند کارگاه‌های همایش «پاییز» با حضور هنرمندان مشـهورتری برگزار می‌شود، اما بچه‌های «مکتب تهران» مبلغ شـهریه‌ها را بالا نبرده‌اند. جلال تهرانی که شـمار سـال‌های غیبتش در تئاتر به هفت‌سالگی رسیده است، با حوصله و صبر بسیار این فعالیت‌ها را سروسامان می‌دهد؛ آنچه مسلم است، این است که برای فعالیت‌های جدیدش چشم‌انداز مشخصی داشته باشد؛ چشم‌اندازی که این‌گونه تعریفش می‌کند: «این همایش‌ها با مشارکت، علاقه و انگیزه تک‌تک تئاتری‌های نامدار و جوان‌های جویـای نام امکان تداوم خواهد داشـت. مـن قدم‌های اولیه را برداشته‌ام. امکانات و توان و انگیزه من هم معلوم و محدود است. بدیهی اسـت که چشم‌انداز روشنی پیش رویم باشد. مهم‌ترین ویژگی این چشم‌انداز این است که بتواند بدون نظارت و صرف انـرژی صددرصدی من به حیات خـودش ادامه دهد. امیدوارم این طور بشود.»

تماشاخانه

نامه هایی به تب

■ دوشـنبه سوم آبان ۹۰ سـاعت ۱۹:۳۰، آغاز اجرای نمایش «نامه‌هایی به تب» در مجموعه ایرانشهر بود که همراه مدعوین هنرمند و منتقد، نمایش به اجرا درآمد. نمایش نوشـته محمد چرمشـیر و کارگردانی سیامک احصایی اسـت که براسـاس یک تراژدی یونانی، نوشته شـده اسـت. دکور و طراحی صحنه، به‌ویـژه انبوهی از شن طلایی‌رنگ پخش‌شده در کف سالن، حال و هوای یونان قدیم را به خوبی تداعی می‌کند. موتیف «خواهرم ایسمنه» به مثابه اشاره به یک اسطوره یونانی روایت را تا پایان نمایش دراماتیزه می‌کند. به نظر می‌رسد نمایش از جنس اُپِرِت اسـت (با لحاظ کردن تفاوت اپرت با اپرا، پرفورمنس و تاتر متن محور). بنابراین ممکن است کسانی که با فرم روایی اپرت حس خوبی نداشته باشند، از نمایش لذت نبرند... . سرعت روایت نمایش هم قدری کند است که علتش دقیقا مشخص نیست. بازی فاطمه معتمد آریا دیدنی است و همراهی موسیقی زنده با حرکات نمایشی هم شنیدنی و دیدنی است.

نویسنده: محمد چرمشیر

کارگردان: سیامک احصایی

بازیگران: فاطمه معتمد آریا، شـبنم مقدمی، محمد رضا حسین زاده، آنکیدو دارش، احمد ساعتچیان، پانته آ پناهی ها، عاطفه تهرانی، مریم شیرازی

آهنگساز : آنکیدو دارش

تراس

نویسنده: ژان کلود کریر

کارگردان: محمدرضا خاکی

بازیگران: الهام پاوه نژاد . مسعود دلخواه . مهران رنجبر. بهاره رهنما . مریم سـعادت . فریدون محرابی . امیررضا وزیری

موسیقی : نیما خاکی / سالن اصلی تئاتر شهر

جدول ۱۳۵۸

افقی:

۱- کفـران نعمـت- منطق عملی ۲- خجسـته- آگاه باش- جمع شـیخ ۳- حمام لاغری- معروف- پسندیده ۴- سخن زشت- قاره سرسبز- برابر و مساوی ۵- شهری در آذربایجان شرقی- پول ژاپن- شهر زیارتی ۶- لوله گیاهی- دندانساز- کلمه پرسشـی ۷- از باشگاه‌های فرانسوی- مردم قرآنی- گرما درمانی ۸- سگ بیمار- تقویـت امواج الکتریکی- مکتـب‌دار قدیم- حیران و سرگشته ۹- خوش معاشرت- کشور هفتاد و دو ملت- نت چهارم ۱۰- گاو تبتی- شـن بسـیار ریز- جهان ۱۱- بزدل- وتر کمان- سـاحل دریا ۱۲- گشـوده- نویسنده انگلیسی کتاب حماقت المایر- پراکنده‌کننده ۱۳- وسط، میان- تازی بادیه نشین- آدم خبر چین ۱۴- گرامی‌تر- موثر- سدی در آذربایجان شرقی ۱۵- مرکز کنیا- ماشینی کردن

عمودی:

۱- نفس شـیطانی- بزرگراه ۲- نوعی یقه- کشور فلاسـفه- پسر مازنی ۳- ناطق- سرپرست- مردی ۴- پر کردن- بی‌مغز- تلخ ۵- حرص و طمع- پسـوند ممالک و شهرها- پارچه روپوشی- پیشوند منفی ۶- ظرف شویی خارجی- سلاحدار- به رعب و هراس افکندن ۷- شهری در آلمـان- از حروف مقطعه قرآن- تحلیل غذا در معده- موروثی ۸- شـبیه- سر نگه‌دار ۹- والده- نصف- عدد کار خراب کن- پسر قزوینی ۱۰- نشت کردن- رب‌النوع- از گل‌هـای زینتـی ۱۱- مـدل غربـی- از گازهای آلـی- محصول آب و صابون- شـاخ شکسـته! ۱۲- بی‌غیرت!- فرمانـروا- بار دیگر ۱۳- پایتخت اتریش- حس بویایی- نوعی انگور ۱۴- از ماه‌های فرنگی- پیدا کردن- شی ۱۵- سرد شدن- سرمایه

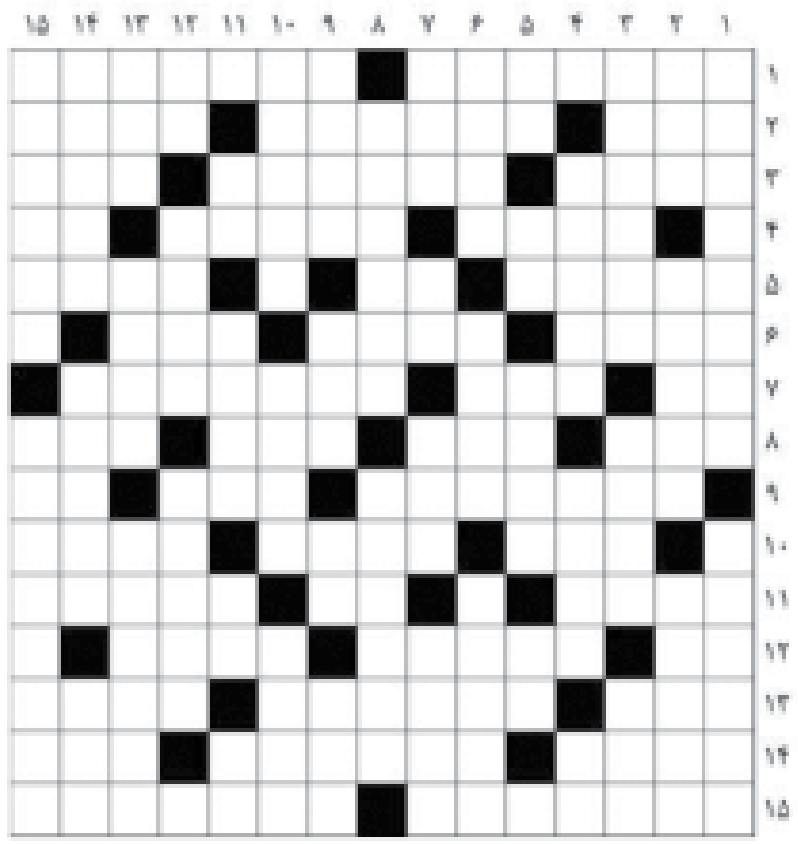

حل جدول ۱۳۵۷

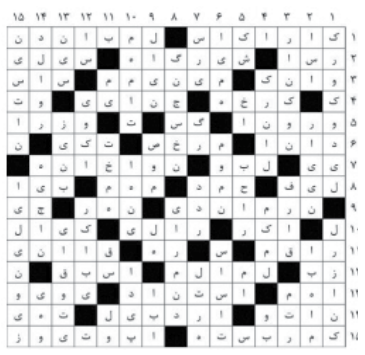

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۳۶۱

	۹				۳	۸	۵	۱
					۱			۹
۸	۱					۴	۶	۳
			۵	۷	۲	۶	۱	
۱				۸	۶	۳		
۷				۳	۴		۸	۲
۳			۲	۹	۸	۵		
		۲		۴		۱		۷
۵		۹	۶		۷			

حل سودوکو ۳۶۰

۱	۲	۴	۷	۵	۸	۳	۶	۹
۹	۳	۷	۴	۶	۲	۵	۱	۸
۸	۶	۵	۳	۱	۹	۴	۲	۷
۶	۴	۸	۹	۳	۵	۱	۷	۲
۳	۱	۹	۲	۴	۷	۶	۸	۵
۵	۷	۲	۶	۸	۱	۹	۳	۴
۷	۵	۱	۸	۹	۶	۲	۴	۳
۲	۹	۳	۱	۷	۴	۸	۵	۶
۴	۸	۶	۵	۲	۳	۷	۹	۱

سودوکو سخت ۱۱

		۹			۴	۸		۲
			۶				۳	۹
		۸		۷			۴	
۷	۲	۱	۵					
				۲	۱	۳		
۵			۷		۹			
۲			۸	۴				
۳							۶	
			۱	۳		۴		

حل سودوکو سخت

۷	۵	۶	۴	۱	۸	۹	۳	۲
۱	۹	۳	۷	۸	۶	۲	۵	۴
۴	۲	۸	۹	۵	۳	۷	۱	۶
۶	۳	۷	۲	۴	۱	۸	۹	۵
۵	۸	۱	۶	۹	۷	۳	۲	۴
۳	۴	۲	۸	۶	۵	۱	۷	۹
۹	۶	۵	۳	۲	۴	۷	۸	۱
۷	۱	۴	۵	۳	۹	۶	۲	۸
۲	۸	۶	۱	۷	۲	۴	۳	۵